

Critical evaluation of Max Weber's activism in the issue of the evolution of religion based on the intellectual system of Shahid Motahari

Abstract

Max Weber's approach as a sociologist is classified in the category of sociological micro-approaches, and his explanation of various phenomena is an objective co-explanation. Paying attention to the individual and explaining based on considering the position of the individual in the society has shown itself even in the issue of the development of religion in the society. This article, which is written with the aim of understanding the criticisms obtained from the point of view of Shahid Motahari (RA) on Max Weber's views on the issue of the development of religion and is written in an exploratory, descriptive and critical method, has reached the considerations that religion is a phenomenon with The origin of atheism is not human or social, so that due to the changes and transformations of conditions and time, it needs to evolve and conform to the conditions. Comprehensiveness and compatibility of religion with reality are two basic elements for religion not needing substantive changes. Also, the nature of religion has not changed in the course of history so that religion needs to be completed. The elements of all divine religions are the same, and no change has been made in these elements, so as to create the suspicion of change, transformation and evolution in religion. The Qur'an's point of view regarding the development of religion is an integrated point of view. That is, from the beginning of the creation of the first man to the last creature, this religion has been accompanied by God Almighty with the aim of ensuring the happiness of the worldly and the afterlife life with man and human society, and since the goal is the same, religion has also been comprehensive of this goal from the beginning until now.

Key words : religion, evolution of religion, society, sociology of religion, Max Weber, Shahid Motahari.

ارزیابی انتقادی کنش گرایی ماکس وبر در مساله سیر تطور دین بر اساس منظومه فکری شهید مطهری

محمد سلطانیه^۱

چکیده

رویکرد ماکس وبر به عنوان یک جامعه شناس در دسته رویکردهای خرد جامعه شناسی طبقه بندی شده است و تبیین او از پدیده های مختلف هم تبیینی عینی است. توجه به فرد و تبیین بر اساس در نظر گرفتن موقعیت فرد در جامعه، حتی در مساله سیر تطور دین در جامعه هم خود را نشان داده است. این مقاله که با هدف فهم انتقادات به دست آمده از دیدگاه شهید مطهری (ره) بر نظرات ماکس وبر در خصوص مساله سیر تطور دین و به روش اکتشافی، توصیفی و انتقادی نگاشته شده است، به این ملاحظات دست یافته است که دین پدیده ای با خاستگاه الحادی، بشری یا اجتماعی نیست تا در اثر تغییر و تحولات شرایط و زمان، نیاز به تطور و همسانی با شرایط داشته باشد. جامع بودن و تطابق دین با واقع، دو عنصر اساسی برای عدم احتیاج دین به تغییرات ماهوی است. هم چنین ماهیت دین در گذر تاریخ تغییر نکرده است تا دین نیاز به تکمیل داشته باشد. عناصر همه ادیان الهی، یکسان است و تغییری در این عناصر شکل نگرفته است تا گمان تغییر، تحول و تطور در دین ایجاد گردد. دیدگاه قرآن در خصوص سیر تطور دین، دیدگاهی یکپارچه است. یعنی این دین از بدو خلقت اولین انسان تا آخرین مخلوق توسط خداوند متعال با هدف ایجاد تضمین سعادت زندگی دنیوی و اخروی با انسان و جامعه انسانی همراه شده است و چون هدف یکسان است، دین نیز جامع این هدف از ابتدا تاکنون بوده است.

واژگان کلیدی: دین، سیر تطور دین، جامعه، جامعه شناسی دین، ماکس وبر، شهید مطهری (ره).

۱- مقدمه و بیان مساله

در طول تاریخ مباحثی از محتوای جامعه شناسی دین حتی بدون این نام، وجود داشته است. مدینه فاضله فارابی، بررسی نقش دین در انسجام اجتماعی (عصبیت) در جوامع این خلدون، بر اساس این نوع مطالعه بوده است. البته که جامعه شناسی دین محصول شکل گیری علم جامعه شناسی بوده است. اسپنسر، تونیس و زیمل از جمله جامعه شناسانی اند که می توان در آثار برجای مانده از ایشان به مطالبی در حوزه جامعه شناسی دین دست یافت. اما ماکس وبر اولین صاحب نظری است که به جامعه شناسی دین به صورت یک علم منظم نگاه کرد. البته تمام توجه اصلی او تقریباً در مذهب کاتولیست بوده است. ریشه یابی پیشینه مطالعات جامعه شناختی دین، دو مدخل دارد: مدخل نخست از مطالعات دین پژوهانه در حوزه های مختلفی چون تاریخ دین، مطالعات تطبیقی ادیان، مردم شناسی و حتی روان شناسی دین نشأت می گیرد. مدخل دوم، ریشه در روندی دارد که طی آن جامعه شناسی به عنوان یک رشته علمی مستقل، راه خویش را از فلسفه و تفکرات کلامی جدا نمود و اهداف و مقاصد جدیدی را پیش روی عالمان اجتماعی قرار داد. اگرچه فلسفه دین به عنوان یکی از شاخه های فلسفه که طرح، نقد و پاسخگویی به پرسش های فلسفی مرتبط با دین، هدف اصلی آن است، (محسن جوادی و دیگران، فلسفه دین، ص ۳۵) نیز در خصوص سیر تطور دین مباحث قابل استفاده ای را طرح کرده است.

اهمیت موضوع دین برای جامعه شناسان، نه فی نفسه، بلکه به تبع تأثیراتی بوده است که بر حیات اجتماعی گذاشته یا از آن تأثیر می پذیرفته است. مخاطب دین افرادند و تجلی نخستین آن در ایمان و تعلق خاطر فردی است، لیکن دین مستعد آن است که به سرعت وجه اجتماعی بیابد. چنان که با وجود تمایز ادیان از این حیث، هیچ دینی را در هیچ زمانی نمی توان سراغ گرفت که کاملاً سزّی، درونی، ذهنی و حاشیه ای باقی مانده باشد و حتی برخی از ادیان، خود را صاحب نقش و رسالت اجتماعی می شناسند. به علاوه دین نیز مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، از تأثیر پذیری محیط نشو و نماي خویش مصون نیست؛ لذا از این حیث هم به مثابه یک متغیر وابسته، محل توجه جامعه شناسان قرار گرفته است. حال تحقق مقدمات لازم برای فهم درست جایگاه دین و دینداری در جامعه، ضرورت پرداختن به این موضوع را روشن می کند. البته مسائل دیگری همچون کشف استعداد های نهانی دین، پرده برداری از مفهوم برخی آیات در این راستا و مسائلی از این دست مخصوصاً در منظومه مفهومی شهید مطهری، نیز روشن و شفاف خواهد شد.

۲- هدف و پرسش پژوهش

این مقاله با هدف آشنایی با بررسی تطبیقی مساله سیر تطور دین در اندیشه ماکس وبر و فهم انتقادات وارد بر آن بر اساس دیدگاه و اندیشه های یک متفکر اسلامی بنام شهید مطهری تدوین شده است. شناخت این انتقادات بر اساس دیدگاه ایشان، امکان باز شناسایی سیر تطور دین از نگاه اسلام را ممکن خواهد ساخت؛ با توجه به موضوع تحقیق و اهمیت این مساله در فرآیند فهم دین با اصول علمی صحیح، در پژوهش حاضر یک پرسش اصلی وجود دارد. از نگاه شهید مطهری (ره) چه انتقاداتی به دیدگاه ماکس وبر در خصوص سیر تطور دین وجود دارد؟

۳- پیشینه پژوهش

موضوع جامعه شناسی دین، جزء موضوعاتی است که مقالات و کتاب‌های متعددی در رابطه با آن نگاشته شده است. اما بحث ارزیابی یک موضوع از موضوعات جامعه شناسی دین مثل سیر تطور دین در جامعه از نگاه اندیشمندان مسلمان به صورت بسیار اجمالی به آن توجه شده است. منابع مرتبط با این حوزه بدین شرح است:

۱. بنیانهای اجتماعی ادیان ابتدایی، یوسف فضایی، شرکت انتشاراتی پویان فرنگار، ۱۳۸۴.

دین شناسی، از مسائل علوم اجتماعی و رشته تقریباً جدیدی است که از اواخر قرن هجده میلادی مورد توجه بعضی جامعه شناسان و مردم شناسان غربی قرار گرفته و از آغاز قرن نوزده بطور جدی مسائل آن علم، با روشهای مختلف تحقیق مورد بررسی واقع شده است. نخستین دانشمندان علم ادیان در اروپا و آمریکا، مانند ادوارد تیلور و جیمز فریزر انگلیسی و امیل دورکیم، در نیمه دوم قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰، تحقیقات عمیقی از نظر جامعه شناسی و مردم شناسی در توجیه و تفسیر مسائل علم ادیان و بخصوص «ادیان ابتدایی» نموده و بنیانهای اجتماعی ادیان مراحل مترقی را در ادیان ابتدایی جستجو کردند. این افراد دین های قدیم و جدید، ابتدایی و متکامل را از نظر مراحل رشد و عقب ماندگی مورد بررسی قرار داده‌اند. تفاوت این کتاب با پژوهش پیش رو، عدم مواجهه این ادبیات با محتوای قرآن کریم است. بنابراین این نوشتار حیثیت توصیفی دارد و انتقادی از نگاه دینی به مساله سیر تطور دین از نگاه اندیشمندان غربی نداشته است.

۲. بررسی تطبیقی مبانی تکثر گرایی دینی در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی و استاد مطهری، سید حسن حسینی،

مجله مقالات و بررسی‌ها، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۷۴.

در این مقاله تکثر گرایی دینی با استناد به برخی آیات قرآنی و با استفاده از دیدگاه های علامه طباطبائی و شهید مطهری مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه اتخاذ شده این است که هر دو متفکر با الهام از تعالیم قرآنی به تعدد و تکثر ادیان الهی اعتقاد دارند؛ در عین حال اگر چه هر دو به وحدت حقه دینی اعتقاد کامل دارند. هم چنین تفاوت معنایی تحول و تکامل دینی که در آرا مطهری دیده میشود، با آنچه علامه از تجلیات و مراتب دینی گفته است، متفاوت است. بر اساس نگاه علامه طباطبائی، اعتقاد به خاتمیت نه تنها تعارضی با حقانیت اصول دینی ندارد، بلکه مکمل آن نیز هست؛ اما شهید مطهری نسخ ادیان و شرایع توسط دین اسلام را ملازم معنای خاتمیت دانسته است. بنابراین نویسنده محترم در تبیین قسمتی از رساله خود در خصوص سیر تطور دین، از نتیجه مباحث این دو متفکر برای تبیین دیدگاه قرآن بهره برده است؛ اگرچه دیدگاه شهید مطهری تقویت شده است.

۳. الگوی تحلیل وبر از رابطه دین و توسعه، تقی آزاد ارمکی، قیسات، دوره ۳، شماره ۷، دی ۱۳۷۷.

نویسنده محترم در این مقاله درصدد تبیین نظریه وبر درباره مفهوم سرمایه‌داری و اصلاح دینی است. وی معتقد است که تلاش وبر بر کشف چگونگی و میزان تأثیر ارزشهای فرهنگی و دینی بر رفتار افراد و جامعه موضوع اصلی نیست؛ بلکه باید دید این ارزشها چگونه و به چه میزان بر رفتار تأثیر دارند و خود چگونه تحت تأثیر متغیرهای دیگر قرار می‌گیرند. بنابراین معنای دین از نگاه وبر، نقطه مشترک این مقاله با رساله است. بنابراین نوآوری مقاله حاضر، در پرداختن به یکی از مسائل مهم در جامعه شناسی دین و فلسفه علوم اجتماعی است تا انتقادات بر دیدگاه ماکس وبر به عنوان یکی از موثرین جامعه شناسان کلاسیک با ادبیات علوم اجتماعی، از متن سخنان و دیدگاه های شهید مطهری تبیین گردد.

۴- تعریف مفاهیم

- دین

واژه دین در فرهنگ لغات مترادف با کلماتی مثل حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن آمده است. (علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۵۷۲-۵۷۴) البته مهمترین این کاربردها عبارت است از طاعت و انقیاد، جزاء و حساب و رسم و عادت. فیروزآبادی نیز معتقد است که دین «الجزاء، العاده، الذل، الحساب، القهر، الغلبه، الاستعلاء، السلطان، الملك، الحکم، السیره، التذییر، الورع، المعصیه، الحال، القضاء و اسم لجميع ما یتعبد الله عزوجل به». (فیروز آبادی، القاموس المحيط، ص ۴۶۱) جوهری نیز معتقد است: «الدین العاده و الشرع، الجزاء و المكافات». (جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۱۵۵۶) مفهوم اعتقاد به عنوان جوهر دین باعث اختلاف نظر بین جامعه شناسان شده است؛ زیرا بسیاری از جامعه شناسان میزان دینداری افراد را بر اساس میزان اعتقادشان به اصول دین سنجیده اند. دین یا آیین از منظر ماکس وبر «روابط انسان با نیروهای فرا طبیعی است که به اشکال دعا و عبادت بیان شده است». (Max Weber, The Sociology of Religion, 1964, P28) موضوع اصلی جامعه‌شناسی دین وبر این است که «بین نظام اقتصادی و اصول اخلاقی جوامع، یک ارتباط مستقیم وجود دارد که بر هم تاثیر و تاثر دارند». (ماکس وبر، جامعه‌شناسی دین، ص ۲۷) عنصر مهم در جامعه‌شناسی دین طبق دیدگاه وبر، «رفتار انسان در برابر قدرت‌های فرا طبیعی است و چون این قدرت‌ها در تجربه‌های زندگی روزمره دیده نمی‌شوند، انسان تلاش کرده است که با ایجاد نشانه‌های عادی با آن‌ها ارتباط برقرار کند تا از عملکرد آنها سردر آورد». (ژولین فروند، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۲۸) وبر معتقد است که رهیافت‌های جامعه‌شناختی نمی‌تواند به تهنایی دین را توصیف و تبیین کند. بنابراین «عوامل اجتماعی هر میزان در یک آیین دینی نفوذ داشته باشند، اما اساسا آیین دینی از سرچشمه‌های دینی خود آب می‌خورد و بیش از همه، بر اساس اصول اعلام شده‌اش، شکل می‌گیرد». (Gerth H, Wright Mills, 1948, p155) شهید مطهری نیز تعاریف مختلفی از دین ارائه کرده است. در یک تعریف معتقدند که «دین مشتمل بر یک سلسله اصول و معتقدات است که هر کس باید خودش مستقیماً تحقیق کند و واقعا تشنه یاد گرفتن و تحقیق در آنها باشد و مسلماً اگر کسی در راه شناخت خدا پویا باشد، خدای متعال او را دستگیری و هدایت خواهد کرد». (مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص ۲۷۶) مرحوم شهید در این تعریف، اصول معتقدات و تلاش هر کس برای فهم آنها را جزء عناصر مقوم دین می‌دانند. ایشان در تعریف دیگری «دین را ایدئولوژی می‌داند که بر سرشت روحانی انسان تکیه دارد، بر آگاه کردن انسان به این سرشت و پرورش دادن این جنبه وجود انسان و برقرار کردن تعادل میان دو جنبه وجودی انسان». (مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ص ۵۹) بنابراین وجود فطرت روحانی در انسان، پرورش جنبه روحانی در انسان و حتی شناساندن آن جنبه برای انسان و در نهایت تأکید بر وجود ایدئولوژی در انسان، عناصر مقوم دین هست. شهید مطهری در تعریف دیگری، «دین را مجموعه قوانین تکامل اجتماعی می‌داند، دین قوانین تکامل اجتماعی را که یک تکامل اکتسابی است از راه وحی بیان می‌کند». (همان، ص ۵۹) طبق نظر ایشان، هر دینی دارای دو بخش جهان بینی و ایدئولوژی است. جهان همان نوع برداشت و دیدگاهی است که یک مکتب درباره جهان هستی دارد. جهان بینی به مسأله «شناخت» مربوط است که از مختصات انسان است و به نیروی اندیشه، تفکر و قدرت ارزیابی از مجموع هستی بستگی دارد. (مرتضی مطهری، جهان بینی الهی و مادی، ص ۲۳) به عبارتی جهان بینی هر دین، تکیه‌گاه آن دین است و همه دین‌ها و آیین‌ها بر نوع جهان بینی استوار است. (همان، ص ۲۵) (مرتضی مطهری، انسان و ایمان، صص ۷۵-۷۶) نتیجه این است که اصول دین، پایه و ریشه دین است و فروع دین، نتایج عملی آن ریشه هاست. وی معتقد است که «دین یک سازمان وسیع فکری، اعتقادی، اخلاقی و عملی است که یک نقطه شروع و یک رکن اساسی دارد که اگر از آن نقطه آغاز شود و بر روی آن اساس بنا شود، محکم و پابرجا خواهد شد که آن هم مسأله معرفت به ذات اقدس خداست». (مرتضی مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۱۷) بنابراین با توجه به تفاوت دیدگاه شهید مطهری و وبر به مسأله دین و تعاریف ارائه شده از آن و تفاوت بنیادین این دو نگاه، به

مساله دین به صورت حداقلی (با تسامح در لفظ) و حداکثری نگاه شده است. به عبارتی دین منهای تمام پشتوانه های ایدئولوژیک آن، به روابط انسان با نیروهای فرا طبیعی و رفتار انسان در برابر این قدرت‌ها تنزل یافته است.

سیر تطور دین

با توجه به تحقیقات جامعه شناسان، دوران زندگی بشر از ابتدای خلقت تا زمان حال، دارای مراحل مختلفی مثل زندگی در جنگل، غار، چادر و... بوده است. حال متناظر با این تغییرات در شیوه زندگی و رشد فکری و روحی افراد، نگرش انسان‌ها نیز تغییراتی کرده است و از ابتدا در يك حالت مشخص نبوده است. این مراحل شامل عناوین ذیل است:

مرحله ادیان ابتدایی؛

مرحله ادیان قدیم و چندخدایی؛

مرحله ادیان متکامل و یک خدایی.

در توضیح این سیر تطور باید گفت که چون صفات عمومی انسان‌های نخستین، دارای ویژگی‌های خاص بوده است، نوع نگرش آنها هم متناسب با همین امور بوده است. صفاتی مثل وابستگی به جامعه و قبیله، سادگی و زودباوری، عصبیت‌های بیش از اندازه در مورد رسوم قبیله‌ای. با دقت در این امور، به دست می‌آید که این صفات، نوعاً از نوع نیازهای آنها نشأت می‌گیرد که عادتاً نیازهای جسمی است. (یوسف فضایی، بنیانهای اجتماعی ادیان ابتدایی، ص ۶۰) این تحول در ایدئولوژی، به دلیل رشد بشر ایجاد شد که از طبیعت منصرف و به سمت خدایان متمایل شد. در ادامه همین تغییرات و تحولات، در مرحله ادیان متکامل یا یک خدایی و توحید، با ظهور پیامبران، همه عقاید دینی درباره خدایان متعدد منسوخ شد و به موازات تکامل بینش دینی بشر، پیامبران دینهای متکامل و مبتنی بر توحید را تشریح نمودند. (غلامعباس توسلی، روشنفکری و اندیشه دینی، ص ۲۱۶)

اما متفکران مسلمان معتقدند که دین همزمان با پیدایش انسانها، ایجاد شده است و دین خدا که به تعبیر قرآن، همان دین اسلام است (سوره آل عمران، آیه ۱۹) از اولین روز خلق بشر، با او همراه بوده است و حضرت آدم که اولین مخلوق انسی خداوند بوده است، پیامبر خدا و منادی توحید و یگانه پرستی بوده است. «طبق آیات قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است همه پیامبران اعم از پیامبران صاحب شریعت و پیامبران غیر صاحب شریعت به یک مکتب دعوت می‌کرده اند. اصول مکتب انبیاء که دین نامیده میشود یکی بوده است، بشر در تعلیمات انبیاء مانند یک دانش آموز بوده که او را از کلاس اول تا آخرین کلاس بالا برده است. این تکامل دین است نه اختلاف ادیان. قرآن هرگز کلمه دین را به صورت ادیان بکار نبرده است. از نظر قرآن آنچه وجود داشته است، دین بوده نه ادیان. قرآن کریم دین خدا را از آدم تا خاتم یک جریان پیوسته معرفی میکند نه چند تا، یک نام روی آن می‌گذارد و آن اسلام است، لذا دین در نزد خدا اسلام است». (مرتضی مطهری، ختم نبوت، صص ۱۶-۱۷؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۸۱) این دین واحد اسلام است که قبل از شریعت حضرت عیسی (ع) و موسی (ع)، به شکلی ساده بود و با آمدن این دو دین، کامل تر شد تا این که با آمدن قرآن، «الیوم اکملت لکم دینکم» (سوره مائده، آیه ۳) خود اعلام کرد که کامل شده است. حتی آیه «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۳۵) دلیل دیگر است که دین نیز به طور کلی یکی است و آن دین ابراهیم است.

«دین از اول تا آخر جهان یکی است و وابستگی با فطرت و سرشت بشر دارد، بازی بزرگ و فلسفه‌ای شکوهمند در دل خود دارد و تصور خاصی درباره فلسفه تکامل به ما میدهد. از نظر قرآن سیر تکاملی جهان و انسان و اجتماع یک سیر هدایت شده و هدف دار است

و بر روی خطی که صراط مستقیم نامیده میشود و از لحاظ مبدأ و سیر منتها، مشخص است. انسان و اجتماع متحول و متکامل است، ولی راه و خط سیر، مشخص، واحد و مستقیم است». (مرتضی مطهری، ختم نبوت، ص ۱۶)

جامعه شناسی دین

جامعه شناسی دین «علمی است که می‌خواهد از طریق تفهیم تفسیری رفتار دینی که نوعی رفتار اجتماعی است به بیان علل و معلول‌های آن دست‌یابد». (ماکس وبر، جامعه شناسی دین، ص ۲۷) روش جامعه‌شناسی دین طبق دیدگاه وبر، روش تفهیمی است. بر این اساس، فهم رفتار دینی، با فهم تجارب در دین، عقاید و اهداف افراد ممکن است. به عبارت دیگر، تنها از طریق فهم معنای رفتار دینی امکان‌پذیر است. «جامعه‌شناسی دین رفتار متدینان را به عنوان نوعی رفتار اجتماعی، که دارای معانی و کارکرد اجتماعی از نوع دینی است، مطالعه می‌کند». (همان) از سوی دیگر جامعه شناسی دین وبر بیشتر بیانگر ارتباط اخلاق دینی با نظم اقتصادی است. (همان ص ۲۸) نکته قابل توجه این است که دیدگاه‌های وبر در جامعه شناسی دین مانند دورکیم، تکامل‌گرایانه است. (Robert Bellah, *Beyond Belief*, 1991, p20) البته وبر این فرایند تکاملی را همواره تصاعدي نمی‌بیند، (Talcott Parsons, *Introduction of The Sociology of Religion*, P 27) بلکه وقفه‌ها و افول‌هایی را نیز در مسیر آن می‌بیند. (غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص ۱۱۴) نکته مهمی که وبر روی آن دست گذاشته، این است که ذهن آدمی به طرح سوالات اخلاقی و دینی گرایش دارد، ولی به طرح سؤال درباره نیاز مادی تمایل ندارد؛ بلکه دارای وسواسی درونی به فهم جهان در قالب یک جهان معنادار است و شروع به گزاره‌سازی درباره آن می‌کند. (ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، صص ۱۱۶-۱۱۷) هدف وی در کتاب اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری که در ذیل جامعه شناسی دین قرار دارد، نشان دادن رابطه و پیوند بین اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری است. وبر نتیجه می‌گیرد که بین باورهای دینی (اخلاق پروتستان) و رشد حیات اقتصادی عقلایی بورژوازی، قرابت نسبی وجود دارد. (ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ص ۱۰) وبر در جامعه شناسی دین خود، تلاش وسیعی کرده است تا رابطه بین انسان و خدا را از جادو نماهای انسان‌های نخستین، به یک رابطه عقلانی تبدیل کند. آنچنان که به زعم وی، پیامبران با ایجاد جاذبه‌های مختلف، قدرت کاهنان و نمایندگان مذهب که مبتنی بر سنت بوده است، را تبدیل به یک دین مبتنی بر عقلانیت منطقی و کتاب دینی کردند (لوئیس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ص ۳۱۸) که اخلاق پروتستانی، خود معرف همین مساله است و تلاش او بر این بود که در ادامه این روند، (به گمان خود) روند عقلانیت را افزایش دهد.

اما شهید مطهری، دین را تنها در «احساس دینی» خلاصه نمی‌کرد که دین صرفاً یک احساس شخصی و التزام و تعهد فردی و خصوصی باشد و هیچ‌گونه ابعاد اجتماعی و سیاسی نداشته باشد. بلکه اصلاً باید دین را از آمیخته شدن و خلط یافتن با مباحث اجتماعی و سیاسی دور نگهداشت و خدا و آخرت تنها هدف بعثت انبیاء بوده است. به عبارت کامل‌تر، بر اساس دیدگاه ایشان، دین برای رساندن انسان به هدف نهایی نازل شده است؛ چون «هدف نهایی انسان، نزدیک‌تر شدن به بی‌نهایت است. چون انسان طالب کمال مطلق (بی‌نهایت) است که در مجموعه هستی، فقط یک بی‌نهایت یعنی پروردگار عالم وجود دارد. پس هدف انسان این است که هرچه بیشتر به خداوند نزدیک شود». (مرتضی مطهری، مقالات فلسفی، ج ۲، ص ۷۵) ایشان سعی کرده است که سنتزی از دیدگاه‌های اجتماعی، تاریخی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی در دین شناسی و اسلام شناسی پدید بیاورد و دین را در تمامیت و جامعیت اش معرفی نماید. (همایون همتی، جامعه شناسی دین از دیدگاه شهید مطهری و دکتر شریعتی، ص ۱۲۳) دین اسلام به تعبیر برخی از دین‌شناسان معاصر، دینی سیاسی یا سیاسی‌ترین دین جهان است که ابعاد حکومتی، سیاسی و نظامی دارد.

(Lewls M. Hopfe, Rellglons of the World, 1983, p 451)

۵- روش پژوهش

با توجه به پرسش ارائه شده، مشخص است که پژوهش حاضر، از نوع انتقادی است که به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود پرداخته و وضعیت کنونی پدیده یا موضوع را مورد مطالعه و سپس انتقاد قرار داده است. بنابراین مقاله، دارای فرضیه خاص نیست. در بررسی حاضر، تلاش شده است پژوهشی بنیادین با استفاده از روش اکتشافی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، با مراجعه مستقیم به اسناد و مراجع دست اول انجام شود. با توصیف داده‌ها و اسناد و تحلیل و مقایسه آنها تلاش شده است نتیجه مطلوب و پذیرفتنی عرضه گردد.

۶- یافته های پژوهش

مسئله دین و دینداری همیشه از مهم‌ترین مسائل فکری و عملی انسان در طول تاریخ بوده است؛ این مسئله را از لحاظ عملی می‌توان تا قلب تاریخ جستجو کرد و از نقش آفرینی آن حتی در ابتدایی‌ترین جوامع بشری علایم و نشانه‌هایی را یافت. پایایی دین در حدی است که با هیچ دلیل و بهانه‌ای، نمی‌توان آن را ندیده گرفت.

سیر تطور دین از منظر ماکس وبر

شکی نیست که ماکس وبر در حوزه دین، با تحقیقات نظری که به انجام رساند، سهم بسزایی دارد. وی به مطالعه رابطه دین و اقتصاد علاقه مند بود و در پس این مطالعه قصد داشت ماهیت رابطه بین این دو پدیده را آشکار کند. این که آیا امر دینی بر پدیده اقتصادی تأثیر می‌گذارد یا پدیده‌های اقتصادی بر مذهب تأثیری می‌گذارد؟ (آن‌گونه که طرفداران تفسیر ماتریالیستی به آن معتقدند) یا اینکه این دو پدیده بر یکدیگر تأثیر و اثر دارند. وبر در مطالعات خود به این نتیجه رسید که بین پدیده‌های مذهبی و پدیده‌های اقتصادی تأثیر متقابل وجود دارد. وبر بر مطالعه اخلاق اقتصادی دین تمرکز کرد. منظور وی از اخلاق اقتصادی، ارزشهای اقتصادی است که مورد تأیید شش دین جهانی یعنی کنفوسیوس، هندوئیسم، بودیسم، یهودیت، مسیحیت و اسلام است. سپس به مطالعه ماهیت اخلاق اقتصادی در هر یک از این ادیان و تأثیرات آن بر سازمان اقتصادی و زندگی اجتماعی پیروان این ادیان پرداخت.

وقتی وبر رابطه سرمایه داری مدرن و ایمان پروتستانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، به این نتیجه رسید که علیرغم وجود عناصر متعددی که در گذشته، در بسیاری از جوامع غیر اروپایی با اقتصاد سرمایه داری شناخته می‌شد، اما سرمایه داری مدرن غربی، نمایانگر یک پدیده منحصر به فرد است که ویژگی اصلی آن، پروژه اقتصادی بر مبنای سازمان‌های کارآمد محور است؛ زیرا کار در جامعه سرمایه‌داری مدرن یک امر اساسی است و به عنوان یک هدف است که انسان برای آن زندگی می‌کند. علاوه بر تأکید سرمایه داری مدرن بر برتری کار و عمل، عقلانیت و فایده‌گرایی نیز مورد تأکید است که باعث ایجاد انگیزه نسبت به مبادی و قدرت بر اختراع است. بنابراین ایدئولوژی، سنت‌گرایی، تخیل یا امور غیر عقلانی را به طور کامل رد می‌کند. سرمایه داری مدرن یک فعالیت منطقی است که بر نظم و ترتیب تأکید می‌کند و مستلزم حضور افرادی است که از نظر روانشناسی، دارای رفتاری منظم و متمایز از بقیه افراد جامعه در نظم، امانت، صداقت، پشتکار و کفایت باشند. بنابراین سرمایه داری در جامعه‌ای که اعضای آن تنبل، معتقد به خرافات و ناکارآمد باشند، ظهور پیدا نمی‌کند. (سامیه مصطفی‌خشاب، علم الاجتماع الإسلامي، صص ۲۸-۲۹) وبر از طریق تجزیه و تحلیل دقیق آموزه‌های

مارتین لوتر و ژان کالون^۱ به این نتیجه رسید که سرمایه داری مدرن از ایمان پروتستانی و اخلاق اقتصادی آن نشأت گرفته است. بنابراین روح سرمایه داری همان رفتارها و اخلاق عملی ایمان پروتستانی است. بنابراین روح پروتستان، همچنان که اخلاق عملی آن گویای آن است، در زندگی مادی خلاصه می شود که همان روح سرمایه داری نیز هست. زیرا ایمان پروتستانی توجه زیادی به تربیت منطقی و عقلانی افراد دارد و به همین دلیل، به شغل و حرفه افراد، ارزش اخلاقی زیادی می بخشد و کار را تقدیس می کند و حتی انجام کار به شیوه شرافتمندانه را یک فعالیت هوشمندانه می داند.

وبر سعی کرد با تجزیه و تحلیل تاریخ برخی از کشورهای پروتستان، نتیجه گیری خود را تأیید کند. از دوران اصلاحات پروتستانی^۲، کشورهای پیشرو در اقتصاد، کشورهای معتقد به پروتستان بودند؛ مانند هلند، انگلستان و آمریکا. در حالی که کشورهای کاتولیک یا غیر پروتستان نسبتاً متفاوت بودند. از همین رو، وبر معتقد شد که ایمان پروتستانی در این کشورها، به حمایت از یکپارچه سازی و تثبیت فعالیتهای سرمایه داری برخاسته است. حمایت نسبت به تأسیس و مدیریت این شرکتها که برای مدرنیته شدن یک جامعه بسیار ضروری است. البته داده های آماری نیز موید نظریه وبر است و نشان می دهد که جمعیت پروتستانها در آلمان، از نظر وضعیت اقتصادی بهتر از غیر پروتستانها هستند.

حال که وبر ثابت کرد که مذهب پروتستان به ظهور نظام سرمایه داری کمک کرده است، سعی کرد با مطالعه در اسلام ثابت کند که اسلام توان و جوهره لازم برای ساخت یک جامعه پیشرفته سرمایه داری اسلامی را ندارد؛ زیرا نگاه وبر به اسلام مغرضانه و ناقص بود و تحت تأثیر گفتمان رایج قرن نوزدهم در اروپا نسبت به اسلام قرار داشت؛ گفتمانی که تمایل به توصیف بی ثباتی سیاسی و اقتصادی جوامع شرقی و همچنین رکود فکری و عقب ماندگی فرهنگی آنها داشت. (سامیه مصطفی خشاب، علم الاجتماع الإسلامي، ص ۹۵)

اگرچه گفتمان ماکس وبر در خصوص رابطه بین اقتصاد و ارزشهای اجتماعی (از جمله دین) کاملاً متفاوت با گفتمان مارکس است؛ کتابهای وبر درباره اخلاق پروتستان و سرمایه داری نوشته شد تا جایگزینی برای نظریه مارکس باشد، اما با این وجود وبر هم اشاره کرده است که کارکردهای دین در رابطه با طبقات اجتماعی، مختلف است. این مساله در تمایزی که وی بین دین خواص و دین افراد غیر ممتاز جامعه قائل شده است، مشهود است.

این تمایز تحت عنوان توجیه نا امیدی یا فرار (Theodicy of despaire or escape) و توجیه اقبال خوب (Theodicy of good gortune theodicy) نشان داده شده است. در حالت اول، دین راه نجات و پیروزی طبقات فرودست را در زندگی پس از مرگ متصور می شود و به آنها گوشزد می کند که جهنم برای ثروتمندان خواهد بود. بنابراین این اعتقادات، توجیهی برای شرایط طبقاتی و پایین آنها است. از سوی دیگر، طبقات ثروتمند نیز برای موقعیت طبقاتی متمایز خود، یک توجیه مذهبی دارند و معتقدند که ثروت و

^۱ John Calvin

^۲ اصلاحات پروتستانی اصلاحات مذهبی که در قرن ۱۶ میلادی در کلیسای غربی و به رهبری مارتین لوتر و ژان کالون روی داد. اصلاحات نامی است که به دوره پاره پاره شدن جامعه مسیحیت اطلاق می شود. اگر چه پس از این دوره کلیسای کاتولیک به حضور خود تا به امروز هم ادامه داد، اما افرادی به نام پروتستان که خواهان اصلاح کلیسای کاتولیک بودند، راهای جداگانه ای را پیش گرفتند. این جنبش مذهبی تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مناسب داشته و به شالوده پروتستانیسیم یکی از شعب اصلی مسیحیت مبدل گشت.

(ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۴۱۷) (سارا فلاورز، اصلاحات، ص ۸۵)

جایگاه طبقاتی متمایز آنها، نشان دهنده التفات خداوند و مراقبت از آنها است. همچنین، این نشان می‌دهد که زندگی آینده آنها نیز مثل همین دنیا خوب رقم خواهد خورد. (سامیه مصطفی خشاب، علم الاجتماع الإسلامي، صص ۱۳۶-۱۳۷)

بنابراین به عنوان نتیجه این بحث، باید چنین گفت که پدیده دین از بدو پیدایش بشریت را تحت تأثیر قرار داده و یک پدیده جهانی است. جهان شمول بودن دین نیز بر اساس کارکردهای اجتماعی دین است که به آن دست یافته است. گراهام گرین^۱ سه کارکرد جهانی برای دین ذکر کرده است:

- ۱- دستیابی به قدرت توسط فرد برای تحمل تمام رنج‌هایی که در وجود او ایجاد می‌شود.
 - ۲- ارزش و اهمیت انسان را به عنوان یک موجود افزایش می‌دهد.
 - ۳- برای حمایت از ارزشهای اجتماعی جامعه برای افزایش انسجام تلاش می‌کند. (گراهام گرین، قدرت و جلال، ص ۲۶)
- شکی نیست که دورکیم یکی از اولین محققانی است که بر کارکرد اجتماعی دین تمرکز کرده است؛ زیرا تفسیر وی از دین از زاویه عملکرد اجتماعی ناشی شده است. بنابراین خدا در اندیشه او، مظهر تقدیسی است که در نتیجه اجتماع افراد در یک جامعه ایجاد می‌شود. به عبارتی دین در هر جامعه‌ای باید وجود داشته باشد؛ زیرا دین نتیجه صرف حیات اجتماعی نیست، بلکه ایجاد کننده آن نیز هست. بنابراین نقطه عطف از نظر وبر، افسون‌زدایی است که دین در دوران سنت، وجه غالب بوده و بعد از عصر تجدد، به دلایل ذکر شده به حاشیه رانده شد؛ بنابراین سیر اجتماعی آن، یک سیر نزولی بوده است.

سیر تطور دین از منظر شهید مطهری

شهید مطهری در تلاش بود تا از طریق آسیب‌شناسی دین و معرفت دینی، به مطالعه نظریات غریبه‌ها درباره دین بپردازد تا با شناخت آسیب‌های وارد از سوی آنها به جامعه اسلامی، با استفاده از منابع اسلامی پاسخ‌های لازم را ارائه نماید. (علی دژاکام، تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۶۹) با این نگرش و در خصوص دیدگاه ایشان در خصوص سیر تطور دین، باید گفت که در اسلام کسی غیر از خداوند شایستگی صدور احکام تشریحی و وضع مقررات را ندارد؛ (سوره یوسف، آیه ۴۰) بشر در زندگی اجتماعی، همیشه نیازمند یک قانون است که ضمانت الهی پشتوانه آن باشد. (مرتضی مطهری، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۳، ص ۸) به عبارتی نیاز بشر به پیام الهی، علت نبوت است. (مرتضی مطهری، ختم نبوت، ص ۷ / مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۳۶۴-۳۶۸ / مرتضی مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ص ۷۱) حال باید تبیین خدای متعال را در خصوص سیر تطور دین به دست بیاوریم. در این خصوص باید گفت که حسب آیات قرآن، دین یک کلی مشخص است که در بازه‌های طولانی تاریخ عمر بشر، حسب فهم و مقتضیات زمان، قسمتی از آن تبیین شده است. به عبارتی، «دین مساله‌ای ثابت است». مشهورترین نظریه در خصوص ثبات دین که شهید مطهری بدان اعتقاد دارد بر این است که دین دارای یک سلسله قوانین، اصول و ارزش‌های انسانی و جهان شمول ثابت و تغییر ناپذیر است که غبار عصریت و تحول آن را مکرر نمی‌کند. (مرتضی مطهری، وحی و نبوت، ص ۴۶) شهید مطهری اتصال ادیان و پیامبران را منوط به همین مساله دانسته است و معتقد است: «پیامبران با همه اختلافات فرعی و شاخه‌ای حامل یک پیام و وابسته به یک مکتب بوده‌اند». (مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، ص ۱۶۷)

¹. Graham Greene

بشر در حال تکامل و تغییر است و فهم و درک انسان اولیه با انسان کنونی بسیار متفاوت است. (ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۱۰۵) همین تفاوت‌ها، می‌طلبد که دین در سطوح مختلف نازل گردد تا قابلیت فهم برای افراد داشته باشد. هنگامی که بشر استعداد لازم برای فهم درست دستورات پایانی را پیدا کند، این دین نازل می‌شود و قاعدتاً نیازی به ارسال پیامبر و دین جدید نخواهد بود که از این مساله، تعبیر به خاتمیت می‌شود. (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۱)

بنابراین طبق دیدگاه اسلام، دین خدا یکی است و از اولین روز پیدایش بشر، با وی همراه بوده است. به تصریح قرآن کریم، تاریخ پیدایش دین که همان دین اسلام است «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (سوره آل عمران، آیه ۱۹) همزمان با پیدایش انسان است. اولین فرد انسان یعنی حضرت آدم (ع)، به عنوان پیامبر خدا که وحی آسمانی به وی نازل می‌شده است، منادی یگانه پرستی بوده است. در قرآن کریم تصریح شده نسل کنون بشر به دو نفر مرد و زن بنام آدم و حوا منتهی می‌شود. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً». (سوره نساء، آیه ۱)

دیدگاه شهید مطهری درباره سیر تکامل دین، کاملاً برخلاف دیدگاه جامعه‌شناسان است که به صورت مفصل به آن اشاره شد. ایشان نافی این مساله هستند که دین انسانها به صورت تکاملی رشد و تغییر کرده است و نقطه شروع آن، طبیعت پرستی است و به بت پرستی و در آخر به خدا پرستی رسیده است. چون تبیین شد که در نگاه جامعه‌شناسان، دین امر فطری بشر نیست.

قرآن کریم در آیات فراوانی با تعابیری چون «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ»، «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ»، «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» و مانند آن، بر جامعیت اسلام به عنوان آخرین دین و نیز در آیه ذیل بر کامل بودن دین اسلام تصریح کرده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا». امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. (سوره مائده، آیه ۳) آیه بالا از اکمال و اتمام دین سخن گفته است؛ اکمال شیء، یعنی تحقق هدف نهایی آن، و تمامیت آن به معنای رسیدنش به مرتبه‌ای است که به چیز یا کسی جز خود نیازی ندارد. نکته اینجاست که اسلام برنامه تکامل بشر را برای دوران خاصی ارائه نکرده است، بلکه آن را برای تمام تاریخ تا روز آخر، بیان کرده است. جان دیون پورت می‌نویسد: «تفاوت قرآن با انجیل در مکتب و روش فقه‌ای است که انجیل فاقد آن است؛ انجیل از قصص، روایات، ترغیب بشر در نشر عواطف و احساسات تشکیل شده است؛ ولی هیچ نوع عامل و رابطه منطقی که رابط بین این معانی با هم باشد، وجود ندارد. قرآن مانند انجیل نیست که فقط میزان و شاخص عقاید دینی و عبادت و عمل باشد؛ بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست؛ و کلیه مسائل حیاتی و مالی با همین منبع و مصدر، حل می‌شود». (جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه وآله و قرآن، ص ۹۹) البته این مساله بدین معنا نیست که مثلاً انجیل پاسخگوی نیازهای هدایتی زمان خود نبوده است؛ بلکه اصالتاً وظیفه دین همین مساله است. محتوای همه ادیان آسمانی توحید است که به اقتضاء زمان و مکان رقیق و غلیظ شده است. اعتقادات همان اعتقادات است؛ اصول دین حضرت آدم با اصول دین پیامبر گرامی اسلامی تفاوتی ندارد. بله شرایع متفاوت بوده است، اما دین ثابت است. شرایع به لحاظ فهم انسانها، ارتباطات و مناسبات اجتماعی با هم دارای تفاوت اند؛ اما دین ثابت است. البته با وجود دین اسلام به دلیل داشتن اصول و فروع خود، دیگر نیاز به دین جدید نیست. مساله رشد و هدایت انسان، مساله مشترک شرایع الهی مختلف است. جامعیت اسلام به عنوان دین خاتم، همه ادیان را در برمی‌گیرد. علاوه بر این مساله، انسان‌ها در گذشته قادر نبودند که مسائل‌شان را از کلیات استنباط و استخراج نمایند و اما در دوران رسالت پیامبر اکرم این توانایی ایجاد شده است که می‌توانند با استفاده از کلیات متون دینی، مسائل جزئی را استخراج و استنباط و تفسیر و تبیین نمایند، لذا دیگر نیاز به تجدید نبوت نیست. (مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۸۳) ایشان معتقدند که فقط وحی قادر است یک مکتب کامل به بشر ارائه دهد و تنها ایدئولوژی توحیدی است که توان ایجاد ذائقه برای انسان دارد که انسان به کمک آن، روح مکتب و نه جزئیات آن را در همه مسائل درک کند. (استاد مطهری و روشن فکران، ص ۴۱۴) چون انسان به دلیل

وجود محدودیت‌هایش، نمی‌تواند در همه زمینه‌ها صاحب ایده و نظر باشد، اما زمانی که به دین متصل شد، توان درک کلیات تمام مسائل انسانی از قبیل مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی کلیاتی را دارد. (مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۱، ص ۶۵)

در کنار تبیین جامعیت از دین، باید به تفاوتی که قرآن کریم بین حق و دین باطل یا بین دین موجود و دین مطلوب گذاشته است، التفات داشت. زیرا گاهی خدای متعال در قرآن کریم، به انتقاد از دین و نوع دینداری مردم پرداخته است و در آیات دیگری، مساله دین را تمجید کرده است. فهم این اختلاف دیدگاه قرآن کریم، منوط به این است که بین دین موجود در جامعه یا آنچه بنام دین شناخته شده است (دین باطل) و دین مطلوب نزد خداوند متعال (دین حق) تفاوت قائل شد. حال در بخش اعتقادات و بیان نسبت آن با واقعیت، می‌توان دین را به دین حق و باطل تقسیم کرد؛ پس اگر محتوای دین در تطابق با واقعیت بود، به آن دین حق و اگر مطابق با واقعیت نبود، به آن دین باطل گفته می‌شود. (مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۳۴) به عبارت دیگر، «دین حق» یک تبیین درست از حقیقت عالم است و چون این عالم دارای یک حقیقت است، دین حق هم فقط یکی خواهد بود. (مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۲، ص ۳۴) به نظر ایشان، قرآن همیشه کلمه «ظلمات» را به صورت جمع و همراه با «ال» که افاده استغراق می‌کند، بیان کرده؛ در حالی که کلمه «نور» را مفرد بیان کرده است و این بدین معنا است که راه راست فقط یکی است. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۴، ص ۱۱۲) پس ملاک و ارزیابی مساله سیر تطور دین هم باید دین مطلوب و نه دین موجود در جامعه باشد.

۷- جمع بندی و نتیجه گیری

دیدگاه در خصوص سیر تطور دین	
<p>سیر تطور دین از نگاه وبر، نیز مثل خاستگاه آن، متأثر از وضعیت انسانها در جامعه است. یعنی انسان با تفسیر موقعیت خویش در جامعه، خود را قادر به کنترل سرنوشت خود می‌داند. کنترلی که از طریق خلق دین ایجاد کرده است. در پرتو همین نگرش، سازمان‌های کارآمد اساس تحولات اندیشه‌های دینی را ایجاد می‌کند. البته علاوه بر تأکید بر برتری کار و عمل، عقلانیت و فایده‌گرایی نیز جزء عناصر شاخص این تحولات است که اقتضا دارد افرادی با روح دینی (روح پروتستان که اخلاق عملی یعنی زندگی مادی‌گویای آن است) والاتر، تقدیس شوند که این مساله متأثر از تغییرات و تحولات دینی محقق خواهد شد. در این مقطع چون دین ارزش شناخته شده است، این تقدیس شکل گرفته است. اما وبر بر اساس تقسیم‌کنش به عقلانی و غیرعقلانی، معتقد است که بخشی از کنش‌های سنتی و عاطفی (غیرعقلانی) در جوامع سنتی وجود داشته است که ممکن است منشأ دینی یا غیر دینی هم داشته باشد؛ اما چون این عقلانیت معطوف به ارزش‌ها بوده است، پایه‌های دینی بیشتری هم داشته است. عدالت، محبت، ایثار، انس و ... اما در کنش‌های عقلانی و جوامع مدرن افسون زدایی شده است. از دین که حامل ارزش‌های مقدس است، تقدس زدایی شده و عقلانیت و حسابگری معطوف به هدف و نه ارزش‌ها شده است و محوریت با سود و زیان است (نه ارزش‌های انسانی). بنابراین دین محور نیست و نیاز انسان‌ها محور قرار می‌گیرد. قفس آهنین صنعت و بروکراسی‌گویی همین مساله است که دین در جوامع مدرن، یا کمرنگ شده است یا از صحنه اجتماعی خارج شده است. از خود بیگانگی انسان (مسخ‌شدگی)، به دلیل دور شدن از ارزش‌های انسانی شکل گرفته است. بنابراین سیر تطور دین از منظر وبر یک سیر تاریخی است که دین حسب توسعه صنعت و بروکراسی، کمرنگ و بی‌اثر شده است.</p>	<p>ماکس وبر</p>
<p>سیر تطور دین در بیان ایشان بدین گونه است که دین از اول تا آخر جهان یکی است و به فطرت و سرشت بشر وابسته است. بنابراین از نظر قرآن، انسان و اجتماع تحول و تکامل دارند، اما دین همان دین است و تغییر و تحول تکاملی در ماهیت نداشته است. عناصر اساسی دین از نگاه قرآن کریم، از زمان حضرت آدم تا آخرین پیامبر اسلام، کاملاً یکسان است. محتوای تمام ادیان توحید است و به اقتضاء مکان و زمان، فهم انسانها، شرایع اجتماعی و مناسبات سیاسی، نحوه ارائه این محتوا تغییر کرده است. به عبارتی شریعت‌ها متفاوت بوده‌اند، اما دین مساله‌ای ثابت است. هرچه آمادگی بشر برای پذیرش مفاهیم و آموزه‌های دینی، بیشتر شده، شریعت هم متکامل‌تر شده است. لذا اسلام جامع تمام شرایع گذشته است که با خصوصیت جامعیت خود، اهداف تمام شرایع گذشته را محقق کرده است. بنابراین سیر تطور دین از نگاه قرآن، با جامعیت دین باید تبیین گردد که دین الهی از ابتدا (هر نامی داشته باشد) جامع بوده و نقصی در آن وجود نداشته است تا در گذر تاریخ، نیاز به تکمیل داشته باشد. البته تغییر در احکام و مناسک ادیان الهی در گذر تاریخ؛ تنافی با جامعیت آن دین ندارد؛ بلکه به فهم انسانها بستگی دارد. مثلاً در زمان حضرت و س (ع) فهم بشر از طریق محسوسات بوده است، معجزات حضرت هم محسوس بوده است. مبنای تکامل قابلیت فهم انسان‌ها در هر زمان و مکان و اقتضاءات متفاوت آن است.</p>	<p>شهید مطهری</p>
<p>دین پدیده‌ای با خاستگاه الحادی، بشری یا اجتماعی نیست تا در اثر تغییر و تحولات شرایط و زمان، نیاز به تطور و همسانی با شرایط داشته باشد. نیاز بشر به دین، دایمی است و مساله‌ای غیر از وحی، جایگزین آن نمی‌شود. جامع بودن و تطابق دین با واقع، دو عنصر اساسی برای عدم احتیاج دین به تغییرات ماهوی است.</p>	<p>انتقادات برداشت شده از فرمایشات شهید مطهری نسبت به نظرات ماکس وبر در حوزه سیر تطور دین</p>
<p>ماهیت دین در گذر تاریخ تغییر نکرده است تا دین نیاز به تکمیل داشته باشد.</p>	
<p>عناصر همه ادیان الهی، یکسان است و تغییری در این عناصر شکل نگرفته است تا با گمان تغییر، تحول و تطور در دین ایجاد شده باشد.</p>	

دیدگاه قرآن در خصوص سیر تطور دین، دیدگاهی یکپارچه است. یعنی این دین از بدو خلقت اولین انسان تا آخرین مخلوق توسط خداوند متعال با هدف ایجاد تضمین سعادت زندگی دنیوی و اخروی با انسان و جامعه انسانی همراه شده است و چون هدف یکسان است، دین نیز جامع این هدف از ابتدا تاکنون بوده است.

بنابراین بر اساس فرمایشات شهید مطهری، می‌توان به این نتیجه رسید که علت رسیدن و بر به فهم خود در موضوع سیر تطور دین، پیشفرض‌های اشتباه وی بوده است. چون آنچه به صورت تبیینی درباره منشأ سیر تطور دین از منظر اندیشمندان علوم اجتماعی و از جمله و بر ارائه شده است، اشتباهات فاحش دارد که به قرار ذیل است:

۱. وجود دین در هر زمان و مکان، دلیل وجود یک ریشه مشترک برای همه ادیان متنوع دانسته شده است. حتی ادیان متکامل بعدی را هم نشأت گرفته از این نوع ساده و اولیه از دین دانسته‌اند. بنابراین این مسأله که نقطه ابتدایی دین و تکامل و غایت دین بر اساس چه شاخصی باید مشخص گردد تا بتوان الگوی تحولی برای ادیان ارائه داد، محل تامل دقیق است. دین پژوهان متاخر هم مثل الیاده، معتقدند که داده‌های ظنی این مسأله فراوان است و مسیرهای تک خطی رشد ادیان، قابل استناد نیست.

۲. نتایج به دست آمده توسط مردم شناسان از جوامع اولیه و انسان ابتدایی (که معمولاً تبیین دانشمندان بعد هم مبتنی بر همین تبیین است) عادتاً با شواهد تجربی از جوامع ابتدایی به دست آمده است. به عبارتی با یک نگاه متسامحانه به جامعه نگریسته است و آن را به دیگر جوامع هم تسری داده است. بنابراین یک قبیله بررسی شده است و نتایج آن به همه جوامع اولیه تسری داده شده است.

۳. مطالعات جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی درباره دین دارای سوگیری است؛ به این معنا که بدون دلیل، انسان‌های اولیه را تحقیر کرده و آنان را عقب مانده ذهنی یا کودک یا روان‌نژند قلمداد کرده‌اند یا حتی آنها را حیوانات برتر دانسته‌اند. تقلیل سطح قوای ادراکی و هوشی آنها، از پیشفرض‌های سوگیرانه به انسان‌های گذشته است. مطالعات آنان نسبت به اسطوره‌های کهن و یا ادیان باستانی با همین برداشت‌ها مواجه است. حتی سحر و جادو دانستن ادیان پیشرفته تاریخی و یکی دانستن ادیان متکامل با ادیان ابتدایی به دلیل داشتن یک جوهر یکسان، یکی دیگر از مثال‌های همین نگرش سوگیرانه است.

۴. اتهام نسبیّت به ادیان که هر دینی با منطقه خودش سازگار است، از مهم‌ترین پیشفرض‌های اشتباه است. مردم‌شناسی هنوز به عنوان رهیافت مناسب در مطالعه عقاید و رفتار دینی اجتماعات اولیه و بدوی، نتوانسته از سوگیری ارزشی به دور باشد تا حقایق آشکار و پنهان را نشان دهد.

بنابراین می‌توان چنین نظر داد که دیدگاه شهید مطهری در خصوص سیر تطور دین کاملاً برخلاف دیدگاه ماکس وبر است. وی دین را حسب اقتضات روز بشر تعریف نکرده است و روند تکمیلی ادیان از ابتدا تا آخرین دین را در حوزه ماهیت دین ندانسته است. این دیدگاه شهید مطهری مبتنی بر اصولی است که در مقاله بدان اشاره شده است.

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان

۱. توسلی، غلامعباس، روشنفکری و اندیشه دینی، رهیافتی جامعه شناختی به آثار و اندیشه های دکتر علی شریعتی، (مجموعه مقالات)، مقاله تحلیل دین از دیدگاه جامعه شناختی، ۱۳۷۹.
۲. توسلی، غلامعباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، ۱۳۶۹.
۳. جوادی، محسن، اعتمادی نیا، مجتبی، چاوشی، روح الله، فلسفه دین، سازمان سمت، ۱۳۹۷.
۴. جوهری، ابونصر، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۵. خشاب، سامیه مصطفی، علم الاجتماع الاسلامی، دار المعارف للطباعة والنشر، ۱۹۸۷م.
۶. دژاکام، علی، تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه، ۱۳۷۵.
۷. دورانت، ویل. تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، روزنه، ۱۳۷۳.
۹. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم، دارالتبلیغ اسلامی، بی تا.
۱۰. فروند، ژولین، جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، توتیا، ۱۳۸۳.
۱۱. فضایی، یوسف، بنیانهای اجتماعی ادیان ابتدایی، شرکت انتشاراتی پویان فرنگار، ۱۳۸۴.
۱۲. فلاورز، سارا، اصلاحات، ترجمه رضا یاسایی، تهران، انتشارات فقنوس، چاپ دوم، بی تا.
۱۳. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵.
۱۴. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
۱۵. گرین، گراهام، قدرت و جلال، ترجمه هرمز عبداللهی، طرح نو، ۱۳۷۳.
۱۶. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ چهارم، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
۱۷. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، صدرا، ۱۳۸۱.
۱۸. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، چاپ پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
۱۹. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۹۵.
۲۰. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی، چاپ هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
۲۱. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ؛ مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۹۲.
۲۲. مطهری، مرتضی، جهان بینی الهی و مادی، مجموعه آثار، ج ۳، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۲۳. مطهری، مرتضی، حکمت ها و اندرزها، چاپ سوم، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
۲۴. مطهری، مرتضی، ختم نبوت، تهران، صدرا، ۱۳۹۵.
۲۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چاپ نهم، بی تا.
۲۶. مطهری، مرتضی، مقالات فلسفی، تهران، حکمت، ۱۳۶۶.
۲۷. مطهری، مرتضی، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، چ هشتم، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
۲۸. مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، تهران، صدرا، بی تا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۴.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲.
۳۱. وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی، ۱۳۷۱.

۳۲. وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه مهرداد ترابی نژاد و دیگران، تهران، سمت، بی تا.
۳۳. وبر، ماکس، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، نشر ثالث، بی تا.
۳۴. وبر، ماکس، مفاهیم اساسی جامعه شناسی، ترجمه احمد صدارتی، انتشارات مرکز، ۱۳۹۸.
۳۵. همتی، همایون، جامعه شناسی دین از دیدگاه شهید مطهری و دکتر شریعتی، نامه فرهنگ، شماره ۲۱، ۱۳۷۵.
۳۶.، استاد مطهری و روشن فکران، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.

37. Bellah, Robert, N.. Beyond Belief. University of Colifornia Press, 1991.
38. Gerth, H., and C. Wright Mills. 1948. From Max Weber. Essays in Sociology. Palo Alto. Calif..Mayfield.
39. Lewls M. Hopfe, Rellglons of the World, New York, 1983.
40. Parsons, Talcott, Introduction of "The Sociology of Religion" by Max Weber .op. cit.
41. Weber, Max, The Sociology of Religion, translated by :Ephraim Fischhoff, Beacon Press, Boston, 1964.

مقاله آماده انتشار